

# ایینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره چهارم  
مهر و آبان ۱۴۰۳ ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و  
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۸

۲۰۸

دوماهنامه  
ایینه پژوهش

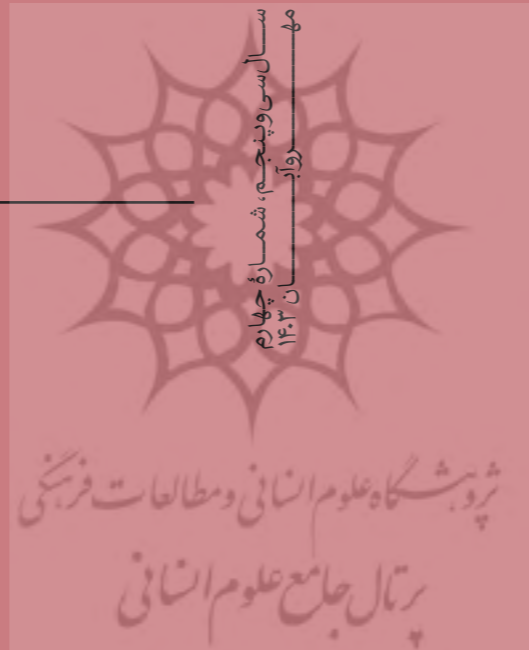
## Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.4 Oct - Nov 2024

A bi-monthly journal exclusively  
review & information dissemination

# 208

dedicated to book critique, book  
in the field of Islamic culture



«مُقْبِلِ آنِشْتِ که ...» (بازخوانی و تَصْحیحِ بیتی از مُفْرَدَاتِ سَعْدِی) |  
گیبون، محمد (ص) و اسلام | چاپ‌نوشت (۱۵) | پاره‌ای از یک تفسیر  
ناشناخته معتزلی، احتمالاً از سده چهارم یا پنجم هجری | میهمانان تازی  
گوی فرهنگستان ایران | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به  
نشریات آن عصر (۱) | فارسیات | رباعیات منسوب به افراد خاندان جوینی  
در منابع کهن | ناهیدن (اقتراحی درباره یک واژه دشوار و ناآشنا در  
شاهنامه) | یادداشت‌های حاشیه متون فارسی و عربی (۲) | خراسانیات  
(۱) | نوشتگان (۹) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۱) | طومار (۷) | درنگی بر  
جدیدترین ترجمه انگلیسی کتاب شریف نهج البلاغه | حدود مفروض،  
حدود ممکن، حدود مقبول | آینه‌های شکسته (۵) | بررسی فهرست  
کتاب‌های فارسی چاپ سربی کتابخانه کنگره آمریکا | میرلوحی سبزواری  
و جعل دو کتاب انیس المؤمنین و کفایة البرایا | شرح و تصحیح کلیله و  
دمنه در بوتۀ نقد | **نکته، حاشیه، یادداشت**

**پیوست آینه پژوهش | کلام شاهانه / ملوک‌الکلام، کتابی چنددانشی از عصر میانی قاجار**

جویناچه‌نیش | رسول جعفریان |  
مجید حبیبی | مرتضی کریمی‌نیا |  
سید محمدحسین میرفتراش |  
رفیقه قزاق‌نسا | احمد مهدوی  
دامغانی | علی رحیمه |  
فرد | علی رحیمه |  
آیندلو | سیداحمدرضا قائم‌مقامی |  
امید حسینی‌نژاد | سجده  
اریا طیبی | سیداحمدرضا قائم‌مقامی |  
زانی | تهران | علی رادا | حبیب  
خداشناسی | سیدعلی کاشفی  
عزیز | حیدر عیوضی | سیده  
زاده | امیررضا میرزا |  
انصاری | نیلوف بهرام‌زاده | معین  
کاظمی | حبیب زانی | تهران

پرتال  
دوماهنامه  
آینه پژوهش



Jap.isca.ac.ir

# زندگینامه، آثار و برخی اشعار مرحوم دکتر جلیل تجلیل

حبیب راثی تهرانی

| ۵۳۹ - ۵۴۶ |

۵۳۹

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دکتر جلیل تجلیل در سال ۱۳۱۳ در خوی در خانواده‌ای اهل علم و ایمان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تبریز به پایان رساند و در همان شهر وارد دانشگاه شد و پس از اخذ لیسانس و بهره‌گیری از محضر استادانی چون دکتر عبدالرسول خیام‌پور، دکتر سید حسن قاضی طباطبایی، استاد ادیب طوسی و استاد احمد ترجانی زاده، ضمن احراز مقام نخست در سال ۱۳۳۴ برای ادامه تحصیل به تهران آمد و موفق به دریافت مدرک دکتری ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه تهران شد. وی در این دوره از محضر استادانی چون مرحوم مدرس رضوی، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و... استفاده کرد. دکتر تجلیل در حین تحصیلات دانشگاهی، علوم حوزوی مانند منطق، صرف و نحو، فلسفه، فقه و کلام و... را در حوزه‌های علمیه تهران و قم و نیز نزد برادر بزرگترش مرحوم آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، فراگرفت و در ادبیات عرب و فقه و اصول تبحر یافت.

ایشان در هشتم آبان ماه ۱۳۳۴ موفق به دریافت مدال درجه اول رتبه اولی دانشنامه لیسانس از وزارت فرهنگ وقت شد. همچنین در دوره ششم همایش چهره‌های ماندگار که در سال ۱۳۸۵ برگزار شد، به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار ایران معرفی و مورد تقدیر قرار گرفت. دکتر تجلیل علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران در رشته‌های ادبیات فارسی، عربی و عرفان و علوم اسلامی، مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دوره عالی تحقیقات را نیز بر عهده داشت و مدتی نیز رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بود.

سرانجام دکتر جلیل تجلیل در ۱۲ شهریور ۱۴۰۳ مطابق با ۲۸ صفر ۱۴۴۶ در سن ۹۰ سالگی به دلیل کهولت سن و عوارض ناشی از آن، با زندگی سراسر از علم خود وداع کرد.

از دکتر تجلیل آثاری چند به صورت تألیف و ترجمه به چاپ رسیده است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. گزیده متون ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲
۲. ترجمه اسرار البلاغه عبدالقاهر جرجانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱
۳. جناس در پهنه ادب فارسی؛ موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷
۴. بلاغت نهج البلاغه؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹
۵. درخت سخن بار دانش (مجموعه مقالات به اهتمام حبیب راثی تهرانی و عذرا یزدی مهر) نشر علم، ۱۳۹۴

۶. سخن سرای راز دانش؛ جاذبه های شعری خاقانی شروانی با رویکرد قرآنی و بلاغی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰.
۷. شرح درد اشتیاق (مجموعه مقالات) انتشارات سروش، ۱۳۸۷.
۸. ترجمه جلد ۱۱ کتاب الغدير علامه امینی (جلد ۲۱ و ۲۲ فارسی)، بنیاد بعثت، ۱۳۸۷.
۹. ترجمه معالم المدرستین (تألیف علامه عسگری) در دو جلد، رایزن، ۱۳۷۵.
۱۰. معانی و بیان، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۰.
۱۱. تصحیح شرح معلقات سبع، احمدترجانی زاده، انتشارات سروش، ۱۳۸۲.
۱۲. تحقیق و تصحیح معیار الأشعار خواجه نصیرالدین طوسی، نشر جامی، ناهید: ۱۳۶۹.
۱۳. مهدی کیست (ترجمه من هو المهدی؟ شیخ ابوطالب تجلیل) انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
۱۴. نقشبند سخن، اشراقیه، ۱۳۶۸.
۱۵. تصاویر خیال در شاهنامه فردوسی، موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، «متن»، ۱۳۸۸.
۱۶. تحلیل اشعار اسرارالبلاغه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۹۵.
۱۷. عروض و قافیه، سپهر کهن، ۱۳۷۸.

### شعر استاد شهریار برای مرحوم دکتر تجلیل

دکتر تجلیل بین سال‌های ۴۵-۱۳۴۲ در دبیرستان لقمان تبریز معلم ادبیات بودند و سر کلاس بسیار از شهریار یاد کرده و اشعارش را برای دانش‌آموزان می‌خواندند، از قضا روزی یکی از شاگردان به نام آقای ولیان، که با انجمن شعر شهریار مرتبط بوده و در آنجا رفت و آمد می‌کرده، پیش استاد شهریار از معلمشان می‌گوید که چقدر شیفته و واله و زبانش دائم مترنم به اشعار شماست و همیشه سر کلاس ما را با زیبایی های شعر شما آشنا می‌کند و...؛ استاد شهریار نیز از او می‌خواهد تا دکتر تجلیل را یک روز به انجمن دعوت کند. وقتی شاگرد جریان را به مرحوم تجلیل می‌گوید، ایشان شگفت‌زده شده و بلافاصله پاسخ می‌دهد: «چه نسبت خاک را با عالم پاک؟!» وقتی شاگرد این واکنش و جمله معلم خود را به استاد شهریار بازگو می‌کند، اشک از چشمان شهریار سرازیر می‌شود، همانجا قلم و کاغذی برمی‌دارد و با سرودن ابیات ذیل از مرحوم تجلیل برای حضور در

انجمن، دعوت می‌کند: (رحمت و رضوان خدا بر هر دویشان باد)

فدای قاصد جانان کزو آسوده شد جانم بشارت‌های خوش داد از اشارت‌های جانانم  
به عالم هیچ عیشی را از این خوش تر نمی‌دانم که تجلیل کند «تجلیل» از این شب‌های هجرانم  
میان جمع بنگران سر زلف پریشان را اگر خواهی بدانی صورت حال پریشانم  
اگرچه قابل بزم حضورت نیستم اما شبی را می‌توانی روز کردن در شبستانم<sup>(۱)</sup>  
در آبان ماه ۱۳۴۷ هجری شمسی در تبریز سروده شد

و این هم سروده‌ای منتشر نشده از مرحوم استاد دکتر جلیل تجلیل است که به لطف خانواده محترم استاد در دست نگارنده قرار گرفته است:

### نیایش به پیشگاه پروردگار

مرحوم استاد دکتر جلیل تجلیل

تو ای کالبدده و جانبخش ما را زبان را به وصف نه فهم و نه یارا  
خدایا تویی منبع فیض و اسرار سزاوار مدح و ثنا و مناجا  
خردبخش و اندیشه‌گستر، زبان ده به هر آدم و آدمت هست شیدا  
همه مست از باده عشق حق اند چه نامم من این مستی و شور و صهبا؟  
تویی ای جهان آفرین شاه شاهان امید خلائق ز ماهی و عنقا  
کواکب فروزان کنی ماه و انجم برون آوری چشمه از سنگ خارا  
از آن خاک افتاده اش ماه در برف برون آوری صد گل و برگ ما را  
گاهی آب از میغ ریزی و گاهی همه آب دریا بخارست و بالا  
تراب از تو یکسر ز گلهای الوان به خاک است مرجع چه پست و چه والا  
دل شب بخندند ماه و ستاره چو در آسمان بنگرم یا به دریا  
همه دیده‌ها بسته، ارواح خسته چو گمگشتگانیم تنها تو پیدا  
یکی مرغ، آوای حق می‌سراید غزل باشد و شعر، این قول و آوا  
به معنی است تسبیح بر ذات پاکت به صورت نفهمیم آن قول و دردا

۱. برای مطالعه بیشتر در باب ارتباط مرحوم دکتر تجلیل با استاد شهریار؛ نگاه کنید به مقاله «تجلیل از شهریار» در کتاب درخت سخن، بار دانش: ۲۴۱-۲۵۳.

چو استاره‌ها از تپش باز ایستند      مه از نور خورشید گشته است رسوا  
به کوه است اول نثار فروغش      ببوسد درختان، فزایند قدها  
درخشید اوراق برگ از صفاتش      به خنده شکفتند گل‌های حمرا  
گشودند دیده هزاران خلایق      گشاده است بازار حیوان گویا  
عبادتگران را به دل صدق و طاعت      جنایتگران را نه آیین نه تقوا  
حساب است در دست تو ای واهب فرد      روی چند روزی به سلک مدارا  
چو راهست گم، می فرستی پیمبر      که چاهست یاره، نمایند ما را  
درون را نبیی چو عقل آفریدی      که با دیو شهوت کنند معادا  
گشاینده ره سوی فیض و سعادت      نمایان رهنم بردین و دنیا  
خدایا تویی بی نیاز و عطابخش      تو پوزش پذیری و ماییم اعدا  
پیام آوران صفا و صدیقت      همه بر طریق صلاح اند پویا  
به تجلیل کن دستگیری خدایا      زبانی سخنگوی ده، جان شیدا  
که راه رضای تو پوید همواره      شود خادم دین و دانش، خدایا

۵۴۴

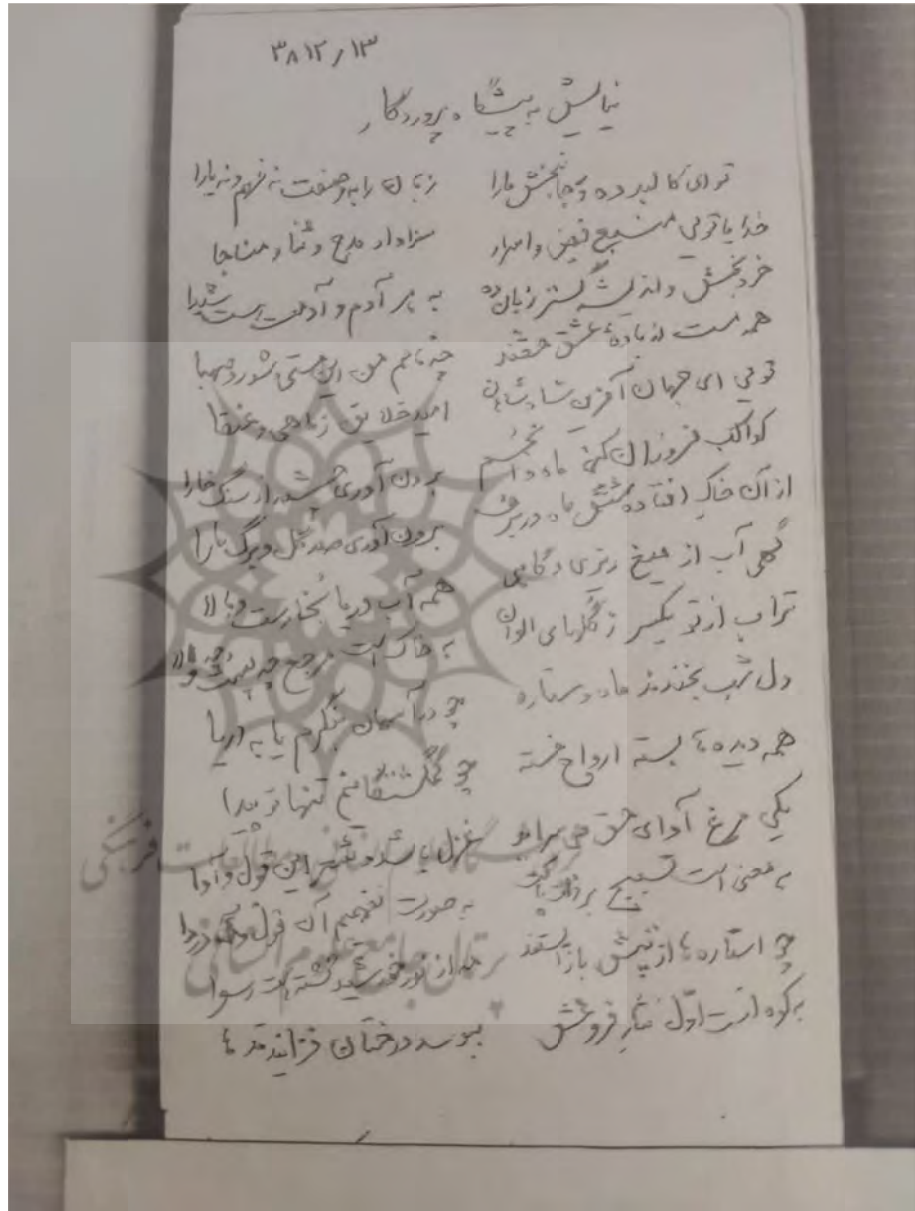
آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

در سحرگاه ششم رمضان المبارک ۱۳۷۹ هجری قمری  
مطابق با ۱۳ اسفند ۱۳۳۸ هجری شمسی سروده و قلمی گردید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





در خشد اوراق برگ ارضفاش به خنده شکفته گلها حرا  
گذردند دیده هزاران خلاق گشته است بازار حیوان گویا  
عباد مکران را به دل صدق و عدل جفا مکران را نه آیین نه تقوا  
مسابقه است در دست توای و ای هر روز روی چند روزی به سگ ما را  
چو راهت گم می فرستیم نمبر که چاهت یاره نماند ما را  
درون را نیستی محقق آفرین که یاد و شهرت کنندی معاد را  
گشایندره موی فیض سعادت تلمیح راهند برین و دنیا  
مذا ایا قوی بی نیازه و عظمتش تو یوزش پذیر و ما ایا  
بیام آردان صفا و صفت همه بر طریقی صلاحند پویا  
به تحلیلی کنی که سبک کنی بعد از آن سزاوار است که خدای ده روح شیدا  
که راه بر نفس کنی و هر چه هم از خانی شود خادم دین و دانش خدا ما

در محرم گاه رمضان مبارک ۳۸، ۱۳، ۱۳  
سردده و تکرار کردید جلیل تجلیل

۵۴۶

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳